

من
سرس

دین زرا که درین قبیل وقت احتیاج ضرورت و از غلبه و احوال و انظار
یافتن باستان و از شجاعت در از فرشتگان و دشمنان که بر حسب
بلبلیه و مصیبت برین باشد اللهم اذاعه ذبک من علم لا یخفی و قلبه
یخشیع و دعای لا یسبح و نفس لا یتبشع و من الجوع فانه عیس الضعیف من مص
و من الجبانه فینبت البطانه و من الکسر و الخی و الجیب و الهم و من ان
ار و ایل از دل و مع و من فتنه الدجال و عذاب القبر و فتنه الجبار
المات اللهم انا انک عظیم مفرقت و منجی ملکات امرک و السلام
من کل سوء و الفتنه من کل بر و السوء و الخبثه و النجاة من النار
صحیح مستدرک حاکم و مصنف ابن ارباب شیب از این مسعود و در مصنف
از ابو هریره و در غیر ذریع است که رسول خدا استخیر الله الا اعز
من علم لا یخفی با برهه الیا یقیم من نجاه مجموع متواز علم که نفع ندم از دل
بر و من علم با تعلیم کلم انرا از علم که محتاج الیه نیست در امور دین و از علم
در هر آن که آن اذن شرعیست از علم که سبب ندم مقلدین باطنیست
که نکره آن اعمال صالحه است در دنیا و دوزخ در جهات افور است در
قال بعض المحققین ان العلم لا یندم لذاته بل لاسباب ثلثه اوله کونه و سبب
الوصول الیه العلم السی و الطمانه فانها لا یصلح فی الله الا فراد و کونه
مصر الصاحفه ظاهر الادم کعلم التیوم و اقل مضانه انه شروع فیما لا یخفی و یخشیع
للعبر و اما کونه و تمهید لا یستقل به الی بعض فیه کما یجوز جمیع الاسرار لانه
و دانست که در هر کس که درین تواریخ اربعه اشعار است بجز هر که در
غایت الخیر است مثله علم فامیش استخیر عالم است و چون این استخیر

ان علم

آن علم و بال است بمقتضا حدیث و بل للعالم سبعین مره و بلی الی مره و انما
استفاده ازین علم لازم است و مثله دل که خلقش بیا رخشیع و ذوقش خانی است
تا شریع کرد و در نورانی شود و مشایخ عیال ملک و غراب ملکوت کند و کمال
موقوف رسد و چون نخشیع منیع است آن دل کمالی دره است بکمال است در
فناوت از جاره قال الله تعالی و الی القاصیه کلهم من ذکر الله لعل یتقوا
ازین دل نیز لازم است و مثله دعا که مطلب ازین همین است که است و کبر
اتقاع از علم و خشوع از دل و است میان دعا و اوست بعد از شرفین منقده
ازین دعا نیز ضروریست و مثله نفس که مطلوب ازین نفس کمال است
به حسب تبا عذار و از فایده و انابت به راه و در این وضع که سرگرد و با خسته
ضلالت است و قانع شود و در اوصی بر جمع و نیا باشد از تحصیل کمال است
کلمه افضل اعدا و الله اعلم است استفادت ازین نفس نیز واجب است و در
الجوع یخشیع و در جمع مستدرک حاکم و مصنف ابن ارباب شیب در است نزار این
مسعود و در غیر ذریع است سابق این مصنف هم اگر ازین کلمه نرفت و
بفرین ازین محمود بر بر روی نجاه مجموع خدا از کسب خود کمال است از
نبره که این کسب بر مجموع است بر آنکه تو تمامه و صیغته بر کند و کمال دور
خیا لست تا سدری انکیز و در استخیرت از تو و احصا از دل سیر و نیز وظیف
عبادت خودم کرد و نود و لیون این کسب است ایش است و مع فریب خشیع
من انجم انما صوم و صیالی و دم است آن کسب که با عیال و در بعضی روزه عملی است
مطهر است که با صیغته است و موجب صفا و نورانیست و است
دین الحیانه یخشیع مستدرک و است نزار این مسعود و در غیر ذریع

حی